



پیام "ساما" در ۱۸ جوزای ۱۴۰۰ش

چهل و یکمین سالگرد جاودانگی مجید و اوضاع خطیر و خونین کشور ما

امروز هژدهم جوزای سال ۱۴۰۰ شمسی برابر با ۰۸ جون ۲۰۲۱ میلادی مصادف با چهل و یکمین سالگرد جاودانگی نماد مشعشع رزم آزادی، سالار نام بردار و بی بدیل آزادیخواه و انقلابی کشور و بانی مدبر و با اوتوریته سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)، زنده یاد "مجید" است.

در اولین بزرگداشت سالگرد جاودانگی "مجید"، "ساما" با اعلام "نبرد مجید ادامه دارد!"، از این مناسبت تجلیل به عمل آورد. سپس "ساما" بنا به پیشنهاد زنده یاد "قیوم رهبر" این روز را "روز شهدای مردم افغانستان" نامیده و همه ساله ضمن یاددهانی و آموزش از "مجید"، و تجدید میثاق با کلیه جانبازان راه آزادی و انقلاب کشور، این روز را گرامی داشته است.

"مجید" بانی "ساما" زندگی مبارزاتی حماسی و انباشته از فراز و فرود و پردردی داشته، ولی در مجموع طی یک ربع قرن راه تعالی فکری – سیاسی را پیموده است. "مجید" دهه ها قبل از ایجاد "ساما"، مبارزه را از موضع یک فرد ضد استبداد آغاز کرده و پیوسته در جریان آموزش و عمل مبارزاتی بر عمق، غنا و گستره هویت فکری – سیاسی اش افزوده و در مجموع شخصیتش راه تعالی و تکامل را پیموده، افکارش صیقل و پالایش شده و اندیشه و جهان نگری اش همراه با افق نظرش گسترش یافت. "مجید" در پله معینی از تکامل فکری – سیاسی اش به "اندیشه پیشرو عصر"، و در پرتو آن به اشکال و ابزار عالی مبارزه انقلابی فراتر از استبداد (سه سلاح مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم) باورمند و مجهز شده و تا آخر در راه تدارک و ایجاد آن رزمید. دستاورد عالی این تحول و تکامل فکری "مجید" و همزمانش، در گام معینی، ایجاد سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) به مثابه وارث و ادامه جنبش آزادیبخش ملی و انقلابی کشور در گام تکامل تاریخی – اجتماعی، در بحبوحه جنگ آزادیبخش ملی ضد ارتجاعی – استعماری بود. "ساما" با افراشتن درفش "اندیشه پیشرو عصر" همگام و هم آهنگ با قیام مسلحانه و جانبازانه مردم غیور و سلحشور ما، پایه ریزی شد. این سازمان، با طلایه داری رهبران زنده ای مثل "مجید"، "شریف"، "جرأت"، "سرمد"، "پویا"، "قدوس"، "میرویس"، "قیوم رهبر"، "تیمور"، "شاه محمد پردل"، و لشکری از کادر های ممتاز آگاه، عملورز و ایثارگری مثل "عزیز طغیان"، "حسین طغیان"، "قاضی ضیاء"، "زمری صدیق"، "داوود منگل"، "انجنیر سرور"، "واکمن"، "انجنیر عزیز" و... به اضافه صد ها کادر آگاه محلی و هزاران روابط توده ئی در اکناف کشور، جلوه درخشان شکوهمند ترین حماسه رزم و مقاومت ملی را ثبت تاریخ جنبش آزادیبخش ملی و انقلابی کشور نموده و در میدان های رزم ضد استعماری – ارتجاعی ارضیه ارجمند و راه و رسم درخشان مبارزاتی را توأم با کاستی های فراوان به جای گذاشته است.

چهل و یکمین سالگرد جاودانگی "مجید" زمانی فرا می رسد که کشور بسته به زنجیر ما در اوضاع خطیر و خونینی قرار داشته و بازی های پیچیده و چندجانبه استخباراتی و برنامه ها و توطئه های استعماری چندی توسط امپریالیست های جنایتکار امریکا – ناتو و سائر قدرت

های استعماری - ارتجاعی در زد و بند با سران ارتجاعی قومی و دلان رأس قدرت برای به یغما بردن مقدرات ملی و اجتماعی مردم افغانستان و دریافت سهم قدرت و ثروت، در جریان است. لذا در بزرگداشت امسال از جانبازان انقلابی و آزادیخواه مردم افغانستان و در پیشاپیش شان، زنده یاد "مجید"، به جای پرداختن به سوژه های توصیفی، به اوضاع خطیر کشور مستعمره ما در نقطه عطف و تراکم حوادث خونین و آینده تار آن پرداخته، دیدگاه های "ساما" را در مورد نکات عمده و اساسی در تعاملات و بازی های تبهکارانه امپریالیستی - ارتجاعی بر سر مقدرات این میهن و خلق تحت ستمش، به طور فشرده با مردم، انقلابیون و آزادیخواهان کشور شریک می سازیم.

بدین مناسبت، با مراجعه به الگوی "مجید" و سائر رزمندگان انقلابی و آزادیخواه کشور، مجموع شکل ها، نهاد ها و ذوات ملی، دموکرات و انقلابی جدی و راستین را در پرتو اندیشه و آرمان مبارزاتی آن جانبازان، به بازانیشی مسؤولانه پیرامون چگونگی دریا شدن قطرات و رفتن از کثرت به سوی وحدت، فرا می خوانیم.

طی چهل سال و اند تاریخ خونین کشور ما شاهد جا به جایی رژیم های پوشالی ضد ملی و ارتجاعی، اشغالگری، انحراف نبرد آزادی خودجوش خلق، جنگ های ارتجاعی اشغالگرانه و نیابتی و تقابل اراده آزادیخواهانه و اراده برده ساز استعماری - ارتجاعی بوده است. در نتیجه تقابل این دو اراده، همه شاهد شکست تاریخی سوسیال امپریالیسم اشغالگر روسی و بردگان میهن فروش آن، شکست و بی عرضگی تاریخی دهاره های اسلام سیاسی مدعی قدرت، تعویض اخوانی های جهادی با اخوانی های طالبی، شکست طالبان به دست آفریدگاران امپریالیستی و اشغال مجدد کشور ما توسط امپریالیست های امریکا - ناتو و اخیراً شکست و عقب نشینی افتضاح آمیز این اشغالگران اخیر در کشور آبائی خود و چنگ و دندان نشان دادن مدعیان اخوانی و دلال قدرت در درون و بیرون رژیم مزدور به رخ همدیگر، بوده ایم.

قریب به ۲۰ سال می شود که افغانستان کشور اجدادی ما در اشغال نظامی نیرو های اشغالگر دول امپریالیستی امریکا - ناتو است. چرا اشغال نظامی ۲۰ ساله افغانستان؟

در مورد دلائل و انگیزه های اشغال نظامی افغانستان توسط نظامیان اشغالگر امریکائی - ناتوئی و ادامه ۲۰ ساله آن، منابع و دستگاه های تبلیغاتی اشغالگران توجیهات واهی زیادی کرده اند و بهانه های بی بنیادی آورده اند که جریان زندگی در کشور مستعمره ما و سیاست های اخیر اشغالگران امریکائی - ناتوئی بطلان آن را برملا ساخته است. حقیقت مسأله این است که اشغال افغانستان در فردای ختم جنگ سرد و در خلأ ایجاد شده پس از فرو ریختن بلاک سوسیال امپریالیستی، برای امپریالیسم امریکا که در آن حوالی بیش از ۷۰۰ پایگاه نظامی در حریم آبی و خاکی کشور ها داشت و به "امپراتوری پایگاه ها" شهرت یافته بود (چالمرز جانسون و دیگران)، برای تکمیل زنجیره پایگاه های نظامی اش در شرق، در تهاجم همه جانبه به سوی شرق و جنوب مطرح بوده و ارزشمندی اقتصادی، سیاسی، استخباراتی و نظامی داشت. با اشغال افغانستان و ایجاد پایگاه ها در آن و در کشور های همجوار آن در شمال و جنوب شرق (پاکستان به طور غیررسمی)، امپریالیسم امریکا در فکر خام نقش آفرینی، تحرکات نظامی، اطلاعاتی و سیاسی از این پایگاه ها در جلو درب ورودی دو کشور رقیب امپریالیستی روسیه و چین، بود.

این ستراتیژی با موانع زیادی بر خورده و به رغم گذشت ۲۰ سال، تا هنوز تحقق نیافته است. خروج نیرو های اشغالگر امریکائی - ناتوئی تا تاریخ یازدهم سپتمبر سال جاری از افغانستان به معنای شکست و ناتوانی سربازان قاتل و سرکوبگر آن دول برای تحمیل یوغ سنگین اسارتبار امپریالیستی بر دوش مردم سلحشور و آزادیخواه افغانستان و تحقق سائر اهداف اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی و اطلاعاتی امپریالیستی در افغانستان و منطقه آسیای میانه معنی می دهد. این بار نیز، این خشم و اعتراض بحق مردم افغانستان (سوی جنگ مزدوران مرتجع طالب برای قدرت) علیه اشغالگران و ایادی خائن بومی شان و اراده آنان برای آزاد زیستن بود که بر ماشین جنگی و اراده برده ساز امپریالیستی غالب آمده و اشغالگر متفرعن به شکست ننگینش با زبان قال اعتراف کرد.

جنگ اشغالگرانه ۲۰ ساله امپریالیستی هم برای اشغالگران و هم برای مردم افغانستان گران تمام شد. "این بهای سنگین برای دول و اقتصاد های بحران زده و درگیر مشکلات بزرگ اقتصادی قدیم و (جدید ناشی از شیوع جهانی کرونا) نظیر ایالات متحده و اتحادیه امپریالیستی غرق در بحران اروپا، این دولت ها و اتحادیه ها را بر آن داشت تا برای مهار بحران، ضمن چشمداشت به مطامع استعماری و توسعه طلبانه در منطقه وسیع آسیای میانه - جنوب آسیا و حضور در رقابت های امپریالیستی در آن جا و به رغم آن؛ از سر استیصال به تعدیل قسمی ستراتیژی اشغالگرانه شان در قبال افغانستان و نقش آفرینی در منطقه بپردازند". لذا امپریالیسم هزیمت یافته آمریکا و شرکاء سخت در تلاش اند تا برای حضور غیرمستقیم یا پنهانی و نقش آفرینی در دوران پس از حضور علنی و مستقیم اشغالگرانه شان در افغانستان، تدارک دیده، نیرو های مزدور تربیت یافته خود را در درون کشور تعبیه کرده و نیرو های سرکوبگر نظامی و استخباراتی خود را در افغانستان و در همسایگی آن جا به جا کند. (سرویس های اطلاعاتی، ارتش مخفی، پایگاه های نظامی در جوار مرز تحمیلی دیورند، نیرو های ویژه امریکائی، انگلیس و ترکی برای حفاظت از سفارت و میدان هوائی و...)

به رغم این تعدیل ستراتیژی که برای آمریکا - ناتو جز شکست برنامه استعماری و اراده برده ساز امپریالیسم آمریکا و شرکاء معنای دیگری ندارد، این پایان ظاهری حضور در افغانستان با توجه به برگشتن لیبرال های نوین به قصر سفید، خروج از انزوای دورانی دوران ترمپ و برگشت به سوی شرق و جنوب برای نقش آفرینی "فعال"؛ به نظر نمی رسد که امپریالیست های آمریکا - ناتو از منافع و اهداف اقتصادی، سیاسی، نظامی و اطلاعاتی خود در افغانستان و منطقه به این سهولت بگذرند. از سیاست های دولت جدید امپریالیستی آمریکا به رهبری نولیبرال های "حزب دموکرات" برمی آید که آمریکا در عین تعدیل ستراتیژی اشغالگرانه اش در افغانستان، در صدد تشنج افزائی و تحرکات نظامی - اطلاعاتی در شرق میانه، اروپای شرقی و شرق دور است. نخستین بازتاب این سیاست قصر سفید، چراغ سبز و پشتیبانی همه جانبه به قیمت رسوائی و محکومیت جهانی، از دولت صهیونیست، غاصب و قاتل اسرائیل برای تجاوز و قتل عام در غزه و کشتار در بیت المقدس اشغالی بود. این تحفه ای بود از طرف دولت آمریکا و محافل و مراکز صهیونیستی امریکائی برای ملت اشغال شده، جدا شده و غرقه در خون فلسطین.

مزید بر آن، دولت خیانت ملی تحت ریاست خائن پوشالی "غنی احمدزی" در ارگ مزدوران دول متجاوز، خود بخشی از سیستم مستعمراتی و زائنده سیستم استعماری و محصول تجاوز و اشغالگری نظامی و غیرقانونی به افغانستان است. این دولت متشکل از دو تابعیتی های خودفروخته تربیت و وارد شده توسط دول اشغالگر به افغانستان و نصب در مقام های حساس قوای ثلاثه دولت خیانت ملی "کرزی - غنی" طی ۲۰ سال، خود نشانگر آنست که این دولت و نظام ضد ملی و ضد دموکراتیک شکل گرفته و عمال زر خرید آن، بر محور منافع پلید استعماری امپریالیسم و منافع پست طبقاتی طبقات ارتجاعی و خودفروخته بومی، فاقد کوچک ترین صبغه و وجاهت ملی و احساس میهنی بوده است. پس از اخراج ظاهری نیرو های نظامی اشغالگر آمریکا - ناتو از کشور ما، ارتش مخفی افغانی آمریکا و قراردادی های امریکائی همراه با جواسیس سازمان "سیا" و سائر دستگاه های جاسوسی دول متجاوز و مغرض در افغانستان و در آن سوی مرز، به اضافه مزدوران "مدنی" و روشنفکر نمایان تسلیم طلب دارای احزاب فاسد علنی و ثروت های بادآورده "ان جی او"ئی در بدنه و حواشی این دولت مزدور باقی خواهند ماند. لذا با وجود این دولت غدار و ترکیب آن، دست تجاوز و تجاوز امپریالیست ها کماکان بر این کشور دراز خواهد ماند. بناءً، این دولت به مثابه متمم و زائنده نیرو های اشغالگر باید با کلیه نیرو های علنی و مخفی و مزدوران مدنی و غیرمدنی در تار و پودش، نابود شود تا اشغال افغانستان پایان یابد و دست تجاوز کوتاه شود.

گروه مزدور طالبان با عملکرد و تفکر فاشیستی و با خودفروختگی مضاعف، خود در پیامد ختم جنگ سرد، از اواسط دهه نود میلادی محصول تباری و توطئه مشترک امپریالیست های آمریکا - ناتو با دول و محافل مرتجع و آژمند منطقه برای سلطه بر کشور ما و غارت داشته های سرشار آن، به مدیریت دولت مرتجع و حریص پاکستان ایجاد و حمایت شد. این گروه تا مغز استخوان مرتجع، فاسد و



خودفروخته از بدو تولد نامیمونش در آنسوی مرز، تا دولتمداری اش و طی این بیست سال اخیر در عین وابستگی مضاعف به چندین درگاه استخباراتی، به عنوان ابزار جنگ نیابتی قدرت های بیرونی، به طور عمده - دولت پاکستان - در خدمت اهداف توسعه طلبانه آن مراکز بوده است، با سببیت و جنایت در حق مردم افغانستان و با خیانت مکرر به منافع ملی، با ترویج و تحکیم مواد مخدر و خرافات، با زن ستیزی و دانش ستیزی، با تیزاب پاشی به رخ دختران مکتب، با مکتب سوزی و با زد و بند با اشغالگران و خصومت با نیرو های ملی - مترقی تا سرحد حذف فیزیکی (چندین مورد اخیر مصداق فاشیسم طالبان است)؛ کشور را ویران، مردم را کشته، جوانان را یا معتاد و یا گرفتار خرافات ساخته و عمر اشغالگران کشور را طولانی ساخته است. سرانجام این مزدوران طالبانی با معامله پنهانی ننگین خائنه و وطن فروشانه با اشغالگران امریکائی که قسمتی از مفاد آن آفتابی شده است، با آنان آتش بس کرده و در عین تسلیمی به اشغالگر قاتل، در جنگ قدرت با دولت مزدور ارباب خود، مردم افغانستان را کشته و با انتحار و انفجار در اماکن عمومی و حمله بر اهداف غیرنظامی، به صد ها بار مرتکب جنایت جنگی شده است.

مزدوران دولتی و به ویژه طالبی، نیرو هائی اند که امید و پایه امپریالیسم و دول و محافل مرتجع همجوار و منطقه در کشور را می سازند. طالبان امروزی با خصلت فئودال - کمپرادوری و نیرو های درون نظام کنونی پوشالی با پایگاه اجتماعی فئودالی و کمپرادوری، در صورت تبانی، از منظر طبقاتی در نقش نمایندگان سیاسی نیمه فئودالیسم و "بورژوازی بوروکراتیک" در حال تشکل، احراز موقعیت خواهند کرد. بسته بندی هر نوع دولت و نظامی در سایه حضور چندجانبه امپریالیسم در این سو و آن سوی مرز های کشور ما، در تضاد آشکار با اصل استقلال و حاکمیت ملی و منافع و علایق خلق زحمتکش افغانستان قرار داشته و غیر از استمرار و بازتولید شرایط ستمگری و استثمار، وابستگی، تقویت ارتجاع سیاسی و فرهنگی و تشدید اختناق؛ برای توده های تحت ستم و استثمار رنج و کار، به ویژه برای زنان، نیرو های مترقی و آزادیخواه و فرهنگیان کشور، پیامدی نخواهد داشت.

هر نوع تلاش برای ایجاد دولتی در چارچوب تعدیل قسمی ستراتیژی اشغالگرانه امپریالیسم در کشور ما، نه الزاماً به ایجاد دولت و نه به "صلح تحمیلی استعماری - ارتجاعی" در جامعه ای آکنده از تضاد ها، با موقعیت ستمکشی، منجر خواهد شد. مجدداً برای چندمین بار تأکید می ورزیم که با توجه به تضاد منافع نقش آفرینان متعدد بزرگ و کوچک متجاوز و آزمند بیرونی و کثرت منافع و مراکز مدعیان و وارثان قدرت پوشالی در کشور و امتداد تضاد منافع بیرونی در وجود مدعیان بومی قدرت، و با توجه به حقایق خونین سراسر دهه نود میلادی (حال هم همین نیرو های جهادی، ملیشبیائی، طالبی، خلقی، پرچمی به اضافه دلان وارداتی، مزدوران مدنی و روشنفکران تسلیم طلب، مدعی قدرت اند و با هم خواهند جنگید)، رسیدن این همه وارث و مدعی به یک اجماع نسبی که شیر و روباه به سهم خود از غارت ثروت ملی ما و از قدرت پوشالی قانع باشند، بعید به نظر می رسد. لذا، احتمال تکامل اوضاع به سمتی که به جای دولت بعدی و صلح مورد نظر امپریالیسم و مزدورانش، به جنگ مدهش قدرت با آتش بیاری بیرونی های مغرض و بدخواه، میان جناح های متعدد تمامیت خواه و فزونخواه ارتجاعی و خودفروخته سیر کند، در چشمرس است. چنین است وضعیت غم انگیز کشور ما.

امروز به مناسبت تکریم از زنده یاد "مجید" و بزرگداشت از جاودانگی او و سائر جاودانگان راه آزادی و انقلاب، این سؤال مطرح است که اگر امروز در چنین وضعیت ابتر یا در آغاز تجاوز امپریالیسم امریکا - ناتو، "مجید" و همزمان نزدیکش زنده می بودند، چه می کردند؟ سؤال به جائی است و پاسخش هم روشن است: "مجید" و یارانش همان کاری را می کردند که در آستانه و زمان تجاوز سوسیال امپریالیسم اشغالگر روسی پیشتاز آن شدند و در راهش آگاهانه تا سرحد جانبازی پیش رفتند و جاودانه شدند.

"مجید" که قبل از تجاوز رهنان روسی به کشور ما دو ابزار مبارزاتی "ساما" و "جبهه متحد ملی افغانستان" را به اشتراک قاطبه انقلابیون و آزادیخواهان کشور ایجاد و تأسیس کرده بود، در فردای تجاوز روسی در اولین نوبت، با صفر گلوله رزمندگان دلیر "ساما" تعدادی از رهنان اشغالگر روسی را مجازات مسلحانه کرد، شبنامه "روس اشغالگر در سراشیب رسوائی و تباهی" را نوشته و داهبانه رسوائی و تباهی

آن اشغالگر در رأس یک امپراتوری را پیش بینی کرد که پس از جاودانگی اش، تحقق یافت. در آن شبنامه "مجید" این شعار آزادیخواهانه را سر داد: "بریده باد زبانی که در برابر امپریالیسم خاموش بماند!". متعاقب آن زمانی که سراسر کشور ما به دادگاه اشغالگران روسی و بردگان ریاست جوی خیانت پیشه‌شان مبدل شد و رستاخیز توده‌های به پا خاسته اوجگیر بود، شعار "یا مرگ یا آزادی" "مجید" در فضای کشور طنین انداز بوده و زینت بخش شبنامه‌ها و اوراق تبلیغاتی "ساما" بود و تا امروز موضوعیت مبارزاتی خود را حفظ کرده و شعار روز "ساما" است.

اگر امروز "مجید" زنده بود، با تجربه، درایت و فهم سیاسی که داشت، در اوضاع متغیر جاری امروز و فردا از خلال بازی‌های پیچیده چندجانبه امپریالیستی و ارتجاعی، به عمق می‌رفت و با عبور از ازدحام ظواهر امور به کنه مسائل پی می‌برد و با پیشتازی تمام، عملی‌ترین و کارسازترین ابزار و روش را بر می‌گزید و بسیجگرترین شعارهای مبارزاتی روز جامعه ما را مطرح می‌کرد؛ اگر "مجید" زنده بود، صلابت وحدت درمی‌داد و خودش محور می‌شد و بدون اگر و مگر و درنگی، مبارزه آزادیبخش علیه امپریالیسم اشغالگر و ارتجاع متحدش را در شرایط جدید سازمان می‌داد و بر کاروان نهیب می‌زد.

اگر "مجید" تا امروز زنده می‌بود، بسیاری از شکست و ریخت‌ها قابل پیش‌گیری می‌بود، "مجید" نه توده‌ها را غافل می‌ساخت، نه سازمان را خلع سلاح می‌کرد و نه به روشنفکران تسلیم شده و مسخ شده اجازه می‌داد به نام مبارزه قدمگاه خود را گم کرده و سر از گریبان استعمار بکشند؛ اگر "مجید" زنده بود، بسیاری‌ها در خلأ ایجاد شده ادعا و ادای به قول زنده‌یاد "قیوم رهبر"، "کلان کاری‌های فتوئالی" نمی‌کردند؛ اگر "مجید" زنده بود، طوری که دیروز در مورد وحدت روشنفکران انقلابی و آزادیخواه کشور، ناممکن را ممکن ساخت، امروز هم محور اتحاد مبارزاتی ظرفیت‌های مبارز و انقلابی در کشور می‌شد؛ سرانجام اگر "مجید" امروز زنده می‌بود، خودش اعتبار جنبش چپ انقلابی و آزادیبخش کشور شده و به تسلیم طلبان بی‌آزم در رکاب استعمار - ارتجاع، جو فروشان گندم نما و معامله‌گران ریز و درشت در کشور اجازه نمی‌داد که اعتبار جنبش چپ انقلابی افغانستان و شخصیت هایش را، از راست و "چپ" فروخته یا خدشه دار سازند.

همان گونه که زنده‌یاد "مجید" در زمانش مطرح کرد، رهائی مردم افغانستان از این دامگستری‌های خطرناک و پیامد‌های سلطه خونبار امپریالیسم - ارتجاع؛ در درازمدت به دست توانای مردم متحد و آگاه و دارای ستاد پیشاهنگ انقلابی و آزادیخواه افغانستان در یک راهپیمائی طولانی به سوی اعمار یک افغانستان آزاد، دموکراتیک و پیشرو میسر است. رسالت تخطی‌ناپذیر ظرفیت‌های مبارز انقلابی، آزادیخواه و دموکرات کشور نیز از همین امروز از ضرورت یک چنین بسیج و رهپویی ناشی می‌شود. پرداختن راهیان مصمم، جدی و راستین راه آزادی و انقلاب کشور به این مهم، هم تجدید پیمان با "مجید" و سائر جاودانگان راه است و هم لبیک فراخوان مادر میهن به بسیج، انسجام و مبارزه در شرایط ابتر امروز و فردای کشور علیه سلطه سرکوبگرانه امپریالیستی و ارتجاعی.

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

راه آزادی وطن و هموطن دریند ما از مسیر نشانی شده با خون سرخ مجید می‌گذرد!

اتحاد مبارزاتی انقلابیون، آزادیخواهان و قاطبه مردم ما، نیاز زمان است!

یا مرگ یا آزادی!

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

هژدهم جوزای ۱۴۰۰ش / هشتم جون ۲۰۲۱م

